

تدوین مدل عوامل اثرگذار بر ارزیابی ریسک تقلب در ایران

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۱۰/۱۰
تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۷/۱۲

محمد رضا مهربان پور^۱

علی گودرز نله جردی^۲

چکیده:

یکی از بنیان‌های سازوکار بازارها، وجود اطمینان بین معامله‌گران است و تقلب سبب آسیب به اطمینان موجود می‌شود؛ بنابراین، اثر زیان‌بار تقلب بر جامعه و شرکت‌ها بر کسی پوشیده نیست. هرگاه تقلب رخ می‌دهد، جامعه از حسابرسان انتظار دارد که تقلب رخ داده را کشف و گزارش نماید. به همین جهت نقش حسابرسان برای مقابله با تقلب اهمیتی دوچندان یافته است. حسابرسان جهت کشف تقلب، نیازمند آن هستند که وظیفه ارزیابی ریسک تقلب را با کیفیت بالا انجام داده تا حوزه‌های پر ریسک را مشخص و منابع حسابرسی را به حوزه‌های یادشده اختصاص دهند. در همین راستا، به علت کمبود پژوهش‌های انجام شده در این حوزه محققان را بر آن داشت تا در این پژوهش دست به شناسایی عوامل اثرگذار بر ارزیابی ریسک تقلب با استفاده از روش تحلیل تم بزنند. در پژوهش حاضر، تعداد ۱۶ نفر از خبرگان حرفه حسابرسی از طریق نمونه‌گیری هدفمند و گلوله برفی در اردیبهشت و خرداد ماه سال ۱۳۹۸ انتخاب شدند و مورد مصاحبه قرار گرفتند. یافته‌های حاصل از مصاحبه‌ها به صورت کد استخراج گردید و الگویی متناسب با شرایط ایران در جهت انجام ارزیابی اثربخش‌تر ریسک تقلب ارائه شد. در این مدل، مجموع عوامل اثرگذار بر وظیفه مذکور در سه دسته کلی عوامل فردی، عوامل ناشی از محیط کلان و عوامل ناشی از محیط خرد دسته بندی شدند. هر یک از این دسته‌ها شامل عوامل جزئی‌تری بوده و ارتباط و اثرگذاری متقابل هر یک از دسته‌های استخراج شده به تصویر کشیده شده است. در انتها هر یک از ارکان موثر در وظیفه ارزیابی ریسک تقلب از جمله جامعه حسابداران رسمی، موسسه حسابرسی، شرکت تحت حسابرسی، حسابرسان، دولت و ... می‌توانند از طریق پیشنهادهای ارائه شده توسط خبرگان گام موثرتری در ارزیابی ریسک تقلب بردارند.

کلیدواژه‌ها: تقلب، ارزیابی ریسک تقلب، عوامل اثرگذار بر ارزیابی ریسک تقلب، تحلیل تم

۱. استادیار حسابداری گروه حسابداری و مالی، پردیس فارابی دانشگاه تهران، قم، ایران، نویسنده مسئول. ایمیل: mehrabanpour@ut.ac.ir

۲. دانشجوی دکتری حسابداری، پردیس فارابی دانشگاه تهران، قم، ایران.

تقلب در هر دو سطح اجتماعی و سازمانی بسیار پرهزینه است. زیان اقتصاد جهانی از بابت فعالیت‌های متقلبانه، سالانه به مبلغ ۳/۷ تریلیون دلار می‌رسد که تقریباً ۵٪ از درآمد ناخالص جهان در سال ۲۰۱۳ را به خود اختصاص داده است (انجمن بازرسان خبره تقلب^۱، ۲۰۱۴). این در حالی است که هزینه تقلب در سطح سازمانی نسبت به جامعه سریع‌تر قابل مشاهده است. از جمله این هزینه‌ها می‌توان به از دست دادن حسن شهرت، کاهش در سرمایه‌گذاری و حتی انحلال سازمان اشاره نمود. با توجه به اهمیت تقلب و اثرات نامطلوب آن، جامعه از حرفه حسابرسی می‌خواهد به این مهم بیشتر توجه نموده و در کشف آن عملکرد بهتری داشته باشد. این در حالی است که میان انتظارات جامعه و حرفه حسابرسی در خصوص تقلب فاصله وجود دارد و حرفه حسابرسی در پی کاهش این فاصله انتظارات است (کوهن و دیگران^۲، ۲۰۱۷).

یکی از مراحل مهم در کشف تقلب، ارزیابی ریسک تقلب^۳ در مرحله برنامه‌ریزی حسابرسی می‌باشد. در همین راستا، نهادهای حرفه‌ای، در این خصوص استانداردهای حسابرسی مرتبط را منتشر کرده‌اند. در سطح بین‌المللی، هیئت استانداردهای اعتبار دهی و حسابرسی بین‌المللی^۴ با انتشار استاندارد ۲۴۰ با عنوان مسئولیت حسابرسان در مقابل تقلب در حسابرسی صورت‌های مالی^۵ و در ایالات متحده آمریکا هیئت استانداردهای حسابرسی استاندارد ۹۹ با عنوان بررسی تقلب در حسابرسی صورت‌های مالی^۶ در راستای بهبود ارزیابی ریسک تقلب جهت کشف مناسب‌تر آن گام برداشته‌اند. این در حالی است که با توجه به بهبود استانداردهای حسابرسی، حسابرسان در خصوص کشف تقلب طبق انتظارات جامعه، موفق عمل نکرده‌اند. بنابراین، با توجه به افزایش مسئولیت حسابرسان، لازم است که رویه‌ها و یا استراتژی‌هایی برای تمرکز ژرف‌تر بر روی تقلب توسط حسابرسان اتخاذ شود (کناپ و کناپ^۷، ۲۰۰۱). شایان ذکر است که ارزیابی ریسک تقلب نقطه عطفی در مراحل انجام کار حسابرسی جهت درک تقلب می‌باشد و از طرفی حسابرسان در یک محیط قانونی، مقرراتی و اقتصادی پیچیده در حال فعالیت هستند (ویلکز و زیملمن^۸، ۲۰۰۴). بنابراین، ارزیابی ریسک تقلب یک وظیفه قضاوتی می‌باشد که عوامل مختلفی ممکن است بر آن اثر گذارد و در صورت انجام صحیح آن حسابرسان تخصیص منابع حسابرسی را بر حوزه‌های با ریسک بالا مؤثرتر صورت می‌دهند و به طبع آن احتمال کشف تقلب افزایش می‌یابد. با توجه به بررسی پژوهش‌های صورت گرفته در سطح بین‌المللی و بررسی موشکافانه‌تر در سطح کشور ایران مشخص شد که هر یک از پژوهش‌ها با توجه به مدل‌های کمی از جمله رگرسیونی،

1. Association of Certified Fraud Examiners
2. Cohen, et, al.
3. Fraud risk assessment
4. International Auditing and Assurance Standards Board (IAASB)
5. The Auditors Responsibilities Relating To Fraud An Audit of Financial Statement
6. Consideration of Fraud in a Financial Statement Audit
7. Knapp & Knapp
8. Wilks & Zimbelman

آزمایش آزمایشگاهی، شبه آزمایشگاهی و ... به بررسی اثرگذاری عوامل مختلف بر وظیفه قضاوتی ریسک تقلب پرداخته‌اند. این در حالی است که در کشور ایران پژوهش‌های انجام‌شده از مسئله این پژوهش فاصله داشته‌اند و یا اینکه از لحاظ تعداد پژوهش‌های پرداخته‌شده به این موضوع اندک بوده‌اند؛ بنابراین، با توجه به شکاف مطالعاتی موجود و عدم ورود محققان به این مسئله، به علت اهمیت و اثرگذاری تقلب بر حرفه و جامعه، تبیین این موضوع به شدت مورد نیاز می‌باشد. در همین راستا این پژوهش با استفاده از روش تحلیل تم در پی کشف عوامل اثرگذار بر وظیفه ارزیابی ریسک تقلب می‌باشد. با ارائه مدل عوامل اثرگذار بر ارزیابی ریسک تقلب، مجموعه عواملی را که سبب می‌شود این وظیفه به صورت اثربخش‌تری انجام شود، به تصویر می‌کشد. این پژوهش سه دستاورد دارد، اول اینکه جزء نخستین پژوهش‌ها در زمینه ارزیابی ریسک تقلب است که در پی مجموعه عوامل اثرگذار بر این وظیفه قضاوتی می‌باشد؛ دوم به حساب‌رسان در خصوص تخصیص بهینه منابع حسابرسی و کاهش جرائم مالی و غیرمالی علیه آنان کمک می‌نماید؛ سوم در حوزه عمل نهادهای قانون‌گذار و شرکت‌ها با توجه به ایجاد زیرساخت‌ها و مجموعه قوانین و مقررات خواهند توانست جهت کمک به مقابله با تقلب از طریق حساب‌رسان مستقل گام‌های اساسی بردارند. در ادامه ابتدا مبانی نظری و پیشینه تحقیق ارائه شده و خلاء مطالعاتی برجسته می‌شود. سپس روش پژوهش و روش‌های جمع‌آوری داده‌ها مبتنی بر تحلیل تم، بعلاوه جامعه و نمونه آماری تبیین می‌شود. پس از آن، یافته‌های پژوهش و تجزیه و تحلیل نتایج بر اساس تحلیل تم تشریح می‌شود. همچنین در قسمت نتیجه‌گیری، مدل عوامل اثرگذار بر ارزیابی ریسک تقلب بر اساس تحلیل تم ارائه می‌شود. در نهایت پژوهش با پیشنهاد‌های عملی به اتمام می‌رسد.

۲- مبانی نظری و پیشینه تحقیق

۲-۱- تقلب صورت‌های مالی

با توجه به ادبیات، تقلب را می‌توان به انواع مختلفی، از جمله تقلب کارکنان، تقلب فروشندگان، تقلب مشتری، تقلب سرمایه‌گذاری و تقلب مدیریت طبقه‌بندی کرد. تقلب مدیریت به تقلب صورت مالی می‌پردازد که در آن مدیریت ارشد اطلاعات ارائه‌شده در صورت‌های مالی را به اشتباه نشان می‌دهد (البرچت و دیگران^۱، ۲۰۱۱). به عبارت دیگر، تقلب در صورت‌های مالی نوعی از تقلب است که از طریق اقدام عمدی در شرکت‌ها جهت فریب استفاده‌کنندگان از صورت‌های مالی انجام می‌شود. با توجه به ادبیات تقلب، طرح‌های تقلب صورت‌های مالی شامل فریب، تغییر یا دست‌کاری در ثبت‌های حسابداری، اسناد پشتوانه یا مبادلات و یا تحریف‌های بااهمیت عمدی، حذف‌ها، ارائه نادرست مبادلات، حساب‌ها، اطلاعات بااهمیت، یا افشای گزارشگری مالی و یا کاربردهای نادرست از جمله تفاسیر اشتباه عمدی، کاربرد نادرست استانداردهای حسابداری و روش‌های اندازه‌گیری، شناخت و اطلاعات گزارشگری مالی می‌باشد (هوگان و دیگران، ۲۰۰۸؛

شلتون و دیگران^۱، ۲۰۰۰).

اوگان و اوبارا^۲ (۲۰۱۳) تقلب صورت مالی را بدین شکل تعریف کرده‌اند: «تحریف محاسباتی حقایق مالی باهدف فریب دادن کاربران اطلاعات مالی». اشکال متداول تقلب صورت مالی عبارت‌اند از شناسایی نامناسب درآمد، برآورد بیش‌ازحد موجودی‌ها، ارجاع نامناسب هزینه‌ها، عدم ثبت تقلب‌ها، ایجاد نتایج عملیاتی بین دوره‌های حسابداری، بسط نتایج و افشاء نامناسب در یادداشت‌های صورت مالی. مطالعات متعددی در راستای کشف تقلب صورت مالی انجام شده‌اند. اسکات^۳ (۲۰۱۲) جریان‌های نقدی عملیاتی که در صورت جریان نقدی گزارش می‌گردد را به‌عنوان نشانگر احتمالی تقلب در نظر گرفته و در مورد راه‌هایی برای مشاهده دست‌کاری متقلبانه بحث نمود و اعلام داشت که مطالعات پیشین بروی تقلب صورت مالی به‌طور کلی متمرکز بوده‌اند و هیچ‌کدام به‌صورت اختصاصی در مورد نوع دست‌کاری تحقیق نکرده‌اند. اسکات نتیجه گرفت که دست‌کاری درآمد و تحلیل جریان نقدی با کشف تقلب رابطه دارد. مطالعاتی از مالیات انتقالی به دوره‌های آتی استفاده کرده‌اند. در ادبیات گذشته که مالیات انتقالی به دوره‌های آتی جزء رایج‌ترین صورت‌های تحریفی اصلاح‌شده بوده است. فیلیپس، پینکاس و رگو^۴ (۲۰۰۳) نتیجه گرفتند که هزینه مالیات انتقالی به دوره آتی در مدیریت سود مناسب است، طوری که مدیریت از آن برای جلوگیری از کاهش درآمد استفاده می‌کند. اتریدیج و همکاران^۵ (۲۰۰۸) نیز نتیجه گرفتند که شواهد محکمی وجود دارد که نشان می‌دهد مالیات انتقالی به دوره آتی را می‌توان در کشف دست‌کاری‌های متقلبانه در سالی که تقلب رخ داده است، بکار گرفت.

۲-۲- ارزیابی ریسک تقلب

ارزیابی ریسک تقلب یک وظیفه قضاوتی است و قضاوت و تصمیم‌گیری از عناصر فراگیر حسابداری می‌باشند؛ پژوهش‌های انجام‌شده در این حوزه در دسته بزرگ‌ترین و تأثیرگذارترین حوزه‌ها در حسابداری هستند. اطلاعات حسابداری جهت تصمیم‌گیری و قضاوت اشخاص از قبیل سرمایه‌گذاران، مدیران و حسابرسان به کار می‌رود. برای مثال، سرمایه‌گذاران تصمیم می‌گیرند که یک سهام را بخرند یا خیر؛ مدیران در خصوص استفاده از روش‌های حسابداری برای مبادلات تصمیم‌گیری می‌کنند. به‌عبارت‌دیگر، تصمیم و قضاوت اشخاص تقریباً در تمام مسائل مربوط به پژوهشگران و پیشگامان حسابداری نقش بازی می‌کند. اگرچه، این حقیقت به‌تنهایی توجیه مناسبی برای مطالعه تصمیم‌گیری و قضاوت اشخاص در حسابداری، فراهم نمی‌کند، اما همچنین شواهد کافی وجود دارد که نشان می‌دهد همواره تصمیم‌ها و قضاوت‌های انجام‌شده باکیفیت نبوده است. علاوه بر این، تصمیم‌گیری‌ها و قضاوت‌های باکیفیت پایین می‌تواند برای اشخاصی

1. Hogan et al. Shelton et al.
2. Ogoun and Obara
3. Sccot
4. Phillips, Pincus, and Rego
5. Ettredge et.al.

که تصمیم می‌گیرند یا قضاوت می‌کنند و یا شرکت‌ها و اشخاص ثالثی که از این تصمیمات و قضاوت‌ها استفاده می‌کنند و در سطح گسترده‌تر برای اقتصاد و جامعه دارای پیامدهای نامطلوبی باشد. با توجه به پژوهش‌های انجام‌شده در حوزه، قضاوت و تصمیم‌گیری در حسابداری، بیشتر خطاها به‌صورت سامانمند بوده‌اند. این خطاها مابین تصمیم‌گیری و قضاوت واقعی با تصمیم‌گیری و قضاوت باکیفیت بالا رخ می‌دهد، زیرا اکثر مردم بر روی خطاهایی که مرتکب شدند، مداومت می‌کنند و یا به این علت است که اشخاص تحت شرایط مشخصی خطاهای خود را تکرار می‌کنند. برای مثال، سرمایه‌گذاران مرد نسبت به زن با مبادلات بیشتر، بازده کمتری در مبادلات سهام کسب می‌کنند. پژوهشگران معتقد هستند این اتفاق رخ می‌دهد زیرا مردان نسبت به زن‌ها دارای اعتمادبه‌نفس کاذب هستند و اعتمادبه‌نفس کاذب سبب معاملات زیاد می‌شود (بونر، ۲۰۰۸).^۱

تغییرات اخیر که در حرفه حسابرسی رخ داده، سبب افزایش و تغییر در نوع جمع‌آوری و ارزیابی اطلاعات توسط حسابرسان شده است. حسابرسی مبتنی بر ریسک، به مفهوم تمرکز بیشتر بر استراتژی‌ها و ریسک‌های کسب‌وکار مشتری می‌باشد. همچنین، بورس اوراق بهادار ایالات متحده آمریکا، شرکت‌های سهامی را ملزم نموده است که حسابرسان علاوه بر اظهارنظر در خصوص صورت‌های مالی شرکت باید در خصوص اثربخشی کنترل‌های داخلی نیز اظهارنظر کنند. در حال حاضر، ارزیابی ریسک تقلب در هر مرحله از حسابرسی الزامی است و حسابرسان نسبت به تحریف‌های بااهمیت کشف نشده مسئول هستند. اگرچه، تغییرات بااهمیتی در فرآیند حسابرسی رخ داده، اما هنوز تعداد زیادی از سؤالات بی‌پاسخ مانده است. برای مثال، اخیراً، هیئت نظارت بر حسابداری شرکت‌های سهامی^۲ به پژوهش در خصوص سودمندی مدل ریسک حسابرسی پرداخته است و به این نتیجه رسیده است که مدل فعلی جهت سودمندی بیشتر در ارزیابی ریسک تقلب نیازمند تعدیل است. مطابق با استاندارد ۲۴۰ حسابرسی ایران، حسابرسان باید اقدام به ارزیابی ریسک تقلب کنند. برای انجام این وظیفه، حسابرسان باید چندین گام را طی کنند و ناگزیر هستند تا سویه‌ها و خطاهای تصمیم‌گیری را از طریق افزایش کیفیت قضاوت خود کاهش دهند.

تحقیقات نشان می‌دهد که عوامل ریسک تقلب رابطه مثبتی با ارزیابی ریسک تقلب دارند. عوامل ریسک عبارت‌اند از عوامل مرتبط با مثلث تقلب فشارها، فرصت‌ها و توجیه که طی آن عوامل بالقوه منجر به مدیریت سود از طریق مواردی از قبیل پاداش به‌دست‌آمده از اختیار سهام، مشوق‌های اضافی، تکمیل قرارداد، تحصیل یا ادغام، پیش‌بینی‌های تحلیل‌گر، شاخص سودآوری کمتر از استاندارد صنعت که در آن مدیریت شخصاً بدهی خاصی را تضمین می‌کند، می‌شود. عوامل ریسک تقلب دیگر می‌توانند شامل این موارد باشند: ذهنیت مدیریت نسبت به کنترل‌های داخلی و شیوه گزارشگری مالی؛ ارزیابی ریسک تقلب می‌تواند به بحث کارآمدی کارکنان حسابداری با توجه به آموزش مناسب نیز بپردازد. همچنین نوع راهبری و اینکه سازمان کمیته

1. Bonner.

2. The Public Company Accounting Oversight Board (PCAOB)

حسابرسی مستقل دارد یا خیر، خط تلفن کارکنان، سیاست‌های مکتوب دستورالعمل اجرایی و سیاست‌های منع‌کننده اقدامات انتقام‌جویی در برابر افشاگران، نیز از دسته عوامل دیگری هستند. رابطه منفی با حسابرس قبلی نیز می‌تواند نشان‌دهنده فعالیت متقلبان و همچنین تغییرات در برآورد حسابداری باشد (روبین، ۲۰۰۷)^۱. همچنین، معیارهای غیرمالی در تعیین ریسک تقلب عبارت‌اند از تعداد کارکنان، فضای انبار، مراکز خرده‌فروشی یا سایر معیارهای غیرمالی که می‌تواند داده‌های صورت مالی را تقویت کند. هیئت نظارت بر حسابداری شرکت‌های سهامی در سال ۲۰۰۴ پتانسیل کشف تقلب را با استفاده از معیارهای غیرمالی بررسی کرده و نهایتاً این شیوه را تأیید نمود. علاوه بر این، مطالعات آرشویی نشان داده‌اند که حسابرسان می‌توانند معیارهای غیرمالی را با معیارهای مالی از طریق تعیین ناسازگاری‌ها از کشف احتمالی برای تقلب، مقایسه کنند (امس و همکاران، ۲۰۱۲؛ برازل و همکاران، ۲۰۱۴).

قضاوت و تصمیم‌گیری از عناصر فراگیر محیط حسابداری هستند و این حوزه از پژوهش‌ها بیشتر از سال ۱۹۸۱ با پژوهش ارزنده لیبی و صدها پژوهش پس‌از آن رشد کرده است. وظیفه قضاوتی حسابرس دارای چندین بعد کیفی است که در ادبیات حسابداری تعریف شده است (بونر، ۲۰۰۸)؛ بنابراین، ارزیابی ریسک تقلب، یک سازه چندبعدی است یا اینکه یک وظیفه قضاوتی سطح بالا است که نیازمند، دانش، تجربه و استدلال است (لوبک و همکاران، ۱۹۸۹). هدف حسابرسان از این ارزیابی، تعیین حوزه‌ها و ریسک‌هایی است که بیشترین اثر را بر پدیده تقلب می‌گذارد. سپس حسابرسان باید انواعی از تقلب‌هایی که احتمال دارد، رخ دهد و چگونگی خنثی نمودن آن‌ها را سنجش کنند (راموس^۳، ۲۰۰۳). شناخت ریسک، از فاکتورهای حافظه و داده‌های ثبت‌شده حاصل می‌شود و باید مطابق با رویه حسابرسی انتخاب‌شده مورد بررسی قرار گیرد. برای شناسایی تحریف بااهمیت تقلب، حسابرسان باید اطلاعات جمع‌آوری‌شده را در بستر سه بعد مثلث تقلب مورد رسیدگی قرار دهند. به بیانی دیگر، ارزیابی تقلب در زمره پیچیده‌ترین وظایف حسابرس است که عوامل اثرگذار بر ارزیابی ریسک تقلب را می‌توان به چندین حوزه گسترده تقسیم نمود.

۳-۲- پیشینه تجربی داخلی و خارجی

نتیجه پژوهش زیمبلمن (۱۹۹۷)^۴ بر روی ۱۰۸ حسابرس نشان می‌دهد، گروهی از حسابرسان که ریسک ارزیابی تقلب را بر اساس رویکرد تجزیه‌ای نسبت به سنتی انجام می‌دهند، زمان بیشتری را برای مطالعه سرنخ‌های وضعیت‌های نامطلوب سپری می‌نمودند. همچنین مشخص شد، حسابرسانی که از روش تجزیه‌ای جهت ارزیابی ریسک تقلب استفاده می‌کنند، به ریسک تقلب بیشتر توجه نموده و در این راستا به مواردی که دارای ریسک تحریف بااهمیت بوده‌اند،

1. Rubin
2. Ames and et.al; Brazel and et.al.
3. Ramos
4. Zimbelman

ساعات بودجه شده بیشتری در نظر می‌گیرند. پژوهش وی همچنین به نحوه واکنش حسابرسان به ریسک تقلب شناخته‌شده، می‌پردازد. نویسنده پی برد که تفاوت‌های کیفی در پاسخ‌ها وجود ندارد و برای آن سه دلیل می‌تواند بیان شود. در هر یک از موارد (۱) حسابرسان دانش حرفه‌ای و فنی را در مورد چگونگی تنظیم برنامه حسابرسی با روش‌های خاص تقلب ندارند، یا (۲) حسابرسان به‌طور کلی فکر می‌کنند که تنظیم برنامه حسابرسی مؤثر نیست، یا (۳) آن‌ها اعتقاد ندارند که این تنظیمات لازم است.

ویلکز و زیمبلمن (۲۰۰۴) بررسی کردند که چگونه تجزیه مثلث تقلب بر ارزیابی کلی ریسک تقلب تأثیر می‌گذارد. در این مقاله نویسندگان، به‌جای استفاده از چک‌لیست‌های تقلب گسترده استاندارد شده، تجزیه ارزیابی ریسک را در راستای اجزای مثلث تقلب توصیه کردند. آن‌ها فرض کردند که با تمرکز بر روی لیست ظاهراً غیر مرتبط از سرنخ‌های تقلب، حسابرس‌ها می‌توانند از ریسک کلی تقلب چشم‌پوشی کنند. با استفاده از روش تجزیه‌ای در راستای مثلث تقلب، حسابرسان نه‌تنها از منابع تلاش شناختی آزاد هستند، بلکه، قبل از تعیین سطح ریسک کلی تقلب، همچنین مجبور به تمرکز بهتر بر سه مؤلفه ریسک تقلب، هستند. آن‌ها در بررسی خود دریافتند که سنجش اجزاء انجام‌شده توسط حسابرسان به فرصت‌ها و انگیزه ریسک، سبب می‌شود نسبت به تغییرات این ریسک‌ها حساسیت بیشتری داشته باشند.

همچنین، فورد و پازوارک^۱ (۲۰۰۷) نشان دادند که حسابرسانی با انگیزش شناختی بالاتر، اطلاعات کمتری استفاده می‌کنند اما زمان بیشتری صرف اتخاذ تصمیم در خصوص یک وظیفه حسابرسی می‌نمایند. حسابرسانی با انگیزش شناختی کمتر، اطلاعات بیشتری جمع‌آوری می‌کنند، اما زمان کمتری صرف تحلیل هر یک از اطلاعات جمع‌آوری‌شده می‌کنند؛ بنابراین، انگیزش شناختی بر نحوه تجزیه و تحلیل اطلاعات و به فراخور آن بر نحوه تصمیم‌گیری و قضاوت حسابرسان اثر می‌گذارد.

هافمن و زیمبلمن^۲ (۲۰۰۹) در پژوهش انجام داده، پی بردند که تعدیل در محیط کاری حسابرسان از طریق ترغیب به انجام جلسات طوفان مغزی دارای همبستگی مثبتی با تعداد و کیفیت تعدیلات طرح حسابرسی در ارتباط با شناخت ریسک تقلب دارد. در پژوهش‌های انجام‌شده (کارپنتر، ۲۰۰۷؛ هافمن و زیمبلمن، ۲۰۰۹؛ تروتمن و همکاران^۳، ۲۰۰۹) بر حوزه طوفان مغزی یا برنامه‌ریزی استراتژیک مشخص شد، تفکر خلاقانه بخشی وظیفه حسابرسی است. مسلماً، متقلبان از کشف تقلب جلوگیری می‌کنند، زیرا آن‌ها خلاقیت بیشتری در کشف تقلب نسبت به حسابرسان در کشف تقلب بکار می‌برند؛ بنابراین، حسابرسان در زمان انجام حسابرسی جهت کشف تقلب نیاز به تفکر خلاقانه بیشتری دارند.

هامرسل و همکاران (۲۰۱۱)^۴ در مورد آزمایشی برای بررسی نحوه پاسخ حسابرسان باتجربه

1. Ford and Pasewark
2. Hoffman & Zimbelman
3. Carpenter; Hoffman & Zimbelman; Lynch et al.; Trotman et al.
4. Hammersely et al.

به ریسک تقلب، هنگام تهیه طرح حسابرسی خود می‌پردازند. پژوهشگران، سطح ریسک را از طریق توصیف شرایط ضعف‌های بااهمیت در کنترل‌ها دست‌کاری کردند. این تحقیق نشان داد که حسابرسان وقتی که ضعف اطلاعاتی بااهمیتی وجود دارد، ریسک تقلب را بالاتر ارزیابی می‌کنند، اما موفق به ایجاد یک طرح حسابرسی باکیفیت‌تر نمی‌شوند. در مقابل، طرح حسابرسی ساخته‌شده با بهره‌وری کمتر و کیفیت پایین‌تر بود. بر اساس این پژوهش، حسابرسان مورد مطالعه، پس از ارزیابی ریسک تقلب بالاتر، رویه‌های حسابرسی با کارایی پایین‌تر را انتخاب نمودند و به‌طور معمول به‌جای تغییر ماهیت برنامه حسابرسی و یا استفاده از روش‌های خاص تقلب بیشتر، اندازه نمونه حسابرسی را افزایش می‌دهند. نویسندگان سؤالات مربوط به آموزش را مورد بررسی قرار ندادند، با این وجود آن‌ها بر ضرورت بازنگری و بهبود آموزش‌های حرفه‌ای حسابرسان برای کمک به آن‌ها در شناسایی تقلب تأکید کردند. آن‌ها همچنین دو محدودیت مطالعه را شناسایی کردند. اول، حسابرسان معمولاً در یک گروه کار می‌کنند، بنابراین تحقیقات متمرکز به ارزیابی ریسک و برنامه‌ریزی حسابرسی فردی ممکن است خیلی قابل ارجاع نباشد. دوم، این مطالعه نتوانست به این سؤال پاسخ دهد که چرا حسابرسان با تجربه‌تر در صورت ارزیابی ریسک بیشتر، برنامه حسابرسی باکیفیت پایین‌تری را طراحی می‌کنند.

تعدادی از پژوهشگران (لئوبک و همکاران، ۱۹۸۹؛ هافمن و زیملمن، ۲۰۰۹؛ آسارا و رایت، ۲۰۰۴؛ هامرسلی و همکاران، ۲۰۱۱؛ هامرسلی، ۲۰۱۱) به بررسی دفعات برخورد حسابرسان با پرونده‌های تقلب پرداختند و همه دریافتند که تقلب نسبتاً یک رخداد نادر است. این موضوع، این سؤال را مطرح می‌کند که چگونه حسابرسان دانش و توانایی بیشتری برای شناسایی تقلب و حصول پاسخ‌های لازم به دست می‌آورند. هامرسلی (۲۰۱۱) اظهار داشت که دانش مرتبط با تقلب به‌طور عمده از طریق آموزش و نه از طریق تجربه به دست می‌آید و این دانش را می‌توان با توانایی بالای حل مسئله و انگیزه جهت شناخت افزایش داد. سه عامل ذکر شده بالا (دانش، توانایی حل مسئله و انگیزه شناختی) در جریان برنامه‌ریزی حسابرسی نفوذ می‌کنند و نحوه تغییر انجام‌شده توسط حسابرسان روی طرح‌های خود را به‌عنوان یک پاسخ به ریسک تقلب ارزیابی شده توضیح می‌دهند.

کر^۱ (۲۰۱۳) در پژوهش خود با عنوان، فاکتورهای ریسک تقلب و برنامه‌ریزی حسابرسی به بررسی همبستگی بین رتبه حسابرس و خروجی اندازه‌گیری عملکرد حسابرس در برنامه‌ریزی حسابرسی پرداخت. این پژوهش شامل، مطالعه ارتباط بین توافق قضاوت بین حسابرسان و رتبه حسابرس بود. نتایج پژوهش آن‌ها نشان داد که شرکت‌کنندگانی که از روش وزن دهی پایین به بالا در قضاوت خود استفاده می‌کردند نسبت به سایرین، آزمون کنترل‌های داخلی یا رویه‌های تحلیلی ابتدایی را با وزن بیشتری در نظر گرفتند. در ضمن، نتایج نشان می‌دهد که مدیران حسابرسی که روش پایین به بالا استفاده نموده‌اند وزن بیشتری دادند و همچنین درجه پیکربندی بالاتری در فرایند فاکتورهای ریسک تقلب نسبت به رئیس‌ها و دانش‌آموزان حسابرسی

داشته‌اند.

داگلاس و همکاران (۲۰۱۵)^۱ مدل‌های تقلب جایگزین جهت استفاده قضاوت ریسک تقلب حسابرس را بررسی کردند. آن‌ها در پژوهش خود به ارزیابی اینکه چگونه استفاده از مدل تقلب جایگزین می‌تواند به‌عنوان ابزاری کمکی جهت قضاوت ریسک تقلب حسابرس مستقل اثرگذار باشد را مورد بررسی قرار دادند. پژوهشگران، معتقد بودند مدل مثلث تقلب در مقابل سایر مدل‌های تقلب به‌صورت تجربی موردسنجش قرار نگرفته است. در همین راستا، ۸۹ حسابرس را به‌عنوان نمونه پژوهش خود انتخاب کردند و تحت یک آزمایش ۲×۲ به مقایسه دو مدل (مثلث تقلب در مقابل مدل دیاموند) و سطح ریسک مدیر ارشد اجرایی (ریسک پایین و بالا) پرداختند. نتایج نشان می‌دهد، نوع مدل تقلب حسابرسی بااهمیت بوده و حسابرسانی که از مدل دیاموند استفاده نموده بودند، ارزیابی ریسک تقلب را بهتر موردسنجش قرار دادند.

ولادیمروویچ باخاتف و همکاران (۲۰۱۷)^۲ در پژوهش خود به بررسی استفاده از مدل‌های رگرسیونی در هنگام انجام رویه‌های ارزیابی ریسک تحریف‌های بااهمیت جهت تقلب در صورت‌های مالی پرداختند. پژوهشگران از مدل‌های رگرسیونی جهت پیش‌بینی تحریف عمدی در صورت‌های مالی استفاده می‌کنند. در این پژوهش، ویژگی‌های خاص، مزیت‌ها و معایب انواع مختلفی از مدل‌های رگرسیونی در فرآیند حسابرسی توصیف شده است. آن‌ها نتیجه گرفتند که امکان استفاده از انواع مختلفی از مدل‌های رگرسیونی (با توجه به مزایا و معایب هر کدام) در زمان ارزیابی ریسک تقلب صورت‌های مالی در فرموله کردن فرآیند حسابرسی وجود دارد.

کوماردین و نیکلاس (۲۰۱۹)^۳، به بررسی پیاده‌سازی ارزیابی ریسک تقلب جهت کاهش ریسک تقلب در فرآیند حسابرسی مالیات پرداختند. در مطالعه آن‌ها، از ۲۰ سناریو طراحی شده، ۷ سناریو دارای ریسک تقلب بالا می‌باشد، ۹ سناریو دارای ریسک تقلب متوسط بوده و ۴ سناریو دارای ریسک تقلب پایین بود. آن‌ها به دنبال ایجاد کنترل‌هایی بودند که بتوانند ریسک باقیمانده تقلب را به میزان اشتهای ریسک مورد پذیرش سازمان کاهش دهند. همچنین، آن‌ها به استراتژی‌های ضد تقلبی که در گذشته مورد استفاده قرار گرفته و استراتژی‌هایی که تا به حال استفاده نشده بود، پرداختند.

پورحیدری و بذرافشان (۱۳۹۱) به بررسی اثر ویژگی‌های فردی حسابرس در تمایل به استفاده از چک‌لیست کشف تقلب و اتکا بر نتایج به‌دست‌آمده از آن پرداختند. نتایج تحقیق نشان داد با افزایش تجربه حسابرس و علاوه بر این با افزایش اعتماد حسابرس به قضاوت شخصی وی، تمایل حسابرس به استفاده از چک‌لیست راهنمای کشف تقلب، کاهش می‌یابد. این امر نیز باعث اتکا کمتر حسابرس بر نتایج به‌دست‌آمده از چک‌لیست می‌گردد. ضمناً در بررسی اثر مستقیم (بدون واسطه میان تمایل به استفاده از چک‌لیست) تجربه و اعتماد به قضاوت شخصی حسابرس در اتکا وی بر نتایج حاصل از چک‌لیست، نتایج بیانگر رابطه‌ای معکوس و معنی‌دار می‌باشد.

1. Douglas et al.

2. Vladimirovich Bakhteev

3. Qomarudin & Nicholas

همچنین در پژوهش دیگری، پورحیدری و بذرافشان (۱۳۹۱) به بررسی سودمندی استفاده از چکلیست راهنمای کشف تقلب در ارزیابی خطر تقلب مدیریت پرداختند. نتایج پژوهش آن‌ها نشان داد که استفاده از چکلیست راهنمای کشف تقلب مدیریت موجب کاهش اشتباهات قضاوت حسابرس می‌شود. علاوه بر این، استفاده هم‌زمان از چکلیست راهنمای کشف تقلب و قضاوت شخصی حسابرس نسبت به شرایطی که فقط از چکلیست استفاده می‌شود، منتج به ارزیابی بهتری از خطر تقلب خواهد شد.

نمازی و ابراهیمی (۱۳۹۵) به بررسی مدل بندی و تعیین اولویت عوامل مؤثر بر قصد گزارش تقلب‌های مالی توسط حسابداران پرداختند. هدف این پژوهش مدل بندی عوامل مؤثر بر قصد گزارش داخلی موارد تقلب در ارقام مالی توسط حسابداران و اولویت بندی آن‌ها است. بدین منظور، تأثیر عوامل عدالت سازمانی، نگرش در مورد گزارش‌گری، هزینه شخصی گزارش‌گری، ویژگی شخصیتی فعال، دین‌داری و شدت اخلاقی مورد بررسی قرار گرفته است. نتایج حاصل از آزمون فرضیه‌ها با استفاده از رگرسیون حداقل مربعات معمولی بیانگر این است که متغیرهای عدالت سازمانی، نگرش در مورد گزارش‌گری، ویژگی شخصیتی فعال، دین‌داری و شدت اخلاقی دارای تأثیر مثبت و معناداری بر قصد گزارش داخلی موارد تقلب هستند، در حالی که تأثیر متغیر هزینه شخصی گزارش‌گری معنادار نیست. مدل برآوردی پژوهش نیز حاکی از آن است که عدالت سازمانی، شدت اخلاقی و پس‌از آن نگرش در مورد گزارش‌گری دارای بیشترین تأثیر بر قصد گزارش موارد تقلب در ارقام مالی است.

سعیدی گراغانی و ناصری (۱۳۹۶) به بررسی تفاوت‌های فردی و قضاوت حرفه‌ای حسابرس پرداختند؛ آن‌ها در پی پاسخ به این سؤال بودند که آیا تفاوت‌های فردی در حسابرسان سبب تفاوت در قضاوت آن‌ها می‌شود یا خیر؟ در تحقیق حاضر چهار ویژگی فردی شامل دو ویژگی جمعیت شناختی و دو ویژگی روانشناسی بر قضاوت حرفه‌ای مورد سؤال قرار گرفت. نتایج تحقیق آن‌ها نشان می‌دهد کلیه متغیرهای مورد مطالعه حاکی از وجود تفاوت در قضاوت حرفه‌ای حسابرسان می‌شود.

طاهری (۱۳۹۸) در مطالعه خود با عنوان به بررسی مقایسه مدل‌های مثلث، دیاموند و پنتاگون تقلب در ارزیابی ریسک تقلب پرداخت. نتایج پژوهش وی نشان داد که تفاوت ارزیابی ریسک تقلب بین مدل‌های دیاموند و مثلث تقلب، پنتاگون و مثلث تقلب، و همچنین پنتاگون و دیاموند تقلب معنادار است. از آنجایی که پژوهش حاضر با توجه به محیط ایران انجام شده است، می‌توان گفت استفاده از مدل پنتاگون تقلب می‌تواند منجر به ارزیابی مناسب تری از ریسک تقلب شود.

حسینی، بنی مهد و صفری (۱۳۹۹) به بررسی تأثیر دیدگاه‌های تردید حرفه‌ای حسابرس بر ارزیابی ریسک تقلب، با توجه به اثر مداخله‌کنندگی مهارت ارتباطی و تضعیف اجتماعی پرداختند. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که از میان شش مشخصه تردید حرفه‌ای، تنها دو عامل ذهن پرسشگر و وقفه در قضاوت بر ارزیابی ریسک تقلب معنادار هستند. مهارت ارتباطی با سه

شاخص تردید حرفه‌ای در ارزیابی ریسک تقلب، یعنی جستجوی دانش، وقفه در قضاوت و اعتماد به نفس اثر مداخله‌گری مثبت و معنادار دارد. تضعیف اجتماعی بر سه شاخص تردید حرفه‌ای در ارزیابی ریسک تقلب، یعنی ذهن پرسشگر، وقفه در قضاوت و اعتماد به نفس اثر مداخله‌گری منفی و معنادار دارد.

۳- روش پژوهش

پژوهش حاضر از لحاظ هدف کاربردی و از لحاظ ماهیت از نوع کیفی می‌باشد. تحقیق کیفی شامل رهیافتی تفسیری و طبیعت‌گرایانه درباره جهان است؛ به این معنا که پژوهشگران کیفی، موضوعات را در وضعیت طبیعی‌شان مطالعه می‌کنند و در تلاش‌اند تا آن‌ها برحسب معنایی که دیگران برای آن‌ها قائل‌اند، درک و تفسیر کنند. روش‌های کیفی متعددی وجود دارند و این امر بیانگر تلاش وافر پژوهشگران کیفی در جهت فهم عمیق پدیده‌هاست (مهربان پور، مصطفائی و مصطفائی، ۱۳۹۸).

داده‌های اصلی پژوهش حاضر، با استفاده از روش انجام مصاحبه، طی شش مرحله جمع‌آوری شدند: (۱) ابتدا برای آشنایی و شناخت عوامل اثرگذار بر ارزیابی ریسک تقلب تعدادی از متن‌های مهم مرتبط با موضوع تحقیق انتخاب و مرور شد تا مطالبی از آن‌ها استخراج شود و بتوان آن‌ها را در تعیین ابعاد با اهمیت برای مدل عوامل اثرگذار بر ارزیابی ریسک تقلب مورد استفاده قرار داد. (۲) در گام دوم، به منظور شناخت فرآیندهای مرتبط با هر یک از ابعاد شناخته شده، تعداد ۳ نفر به صورت قضاوتی با هدفمند جهت انجام مصاحبه اکتشافی (با ساختار نسبتاً آزاد) انتخاب شدند و از اطلاعات حاصل شده در گام‌های بعدی مورد استفاده قرار گرفت. (۳) در سومین گام، با ترکیب ابعاد شناخته شده در گام اول و انجام مصاحبه‌های اکتشافی، سؤالات موردنظر برای مصاحبه‌های اصلی طراحی شد و سپس مصاحبه‌های اصلی جهت انجام پژوهش حاضر صورت پذیرفت. (۴) در ادامه با تعدادی از خبرگان، مصاحبه به عمل آمد و با توجه به پویایی روش تحلیل تم و تشخیص پژوهشگر جهت گردآوری بهتر داده‌ها تغییراتی در ساختار، تعداد و نوع سؤالات ایجاد شد به این ترتیب در واقع تحلیل داده‌ها (بر اساس کدگذاری آن‌ها و مقایسه داده‌های حاصل از مصاحبه‌های مختلف)، در دوره انجام مصاحبه‌ها نیز به‌طور هم‌زمان جریان داشت و بررسی مقایسه‌ای دیدگاه‌های مصاحبه‌شوندگان در تعیین ساختار مصاحبه‌های بعدی و همچنین در تعیین ساختار مدل نهایی مورد استفاده قرار گرفت. (۵) در گام پنجم، مصاحبه‌ها ادامه یافت تا مصاحبه‌کننده قانع شود که مطالب جدیدی مطرح نخواهد شد. سپس پیاده‌سازی متن‌ها تکمیل شده و فرآیند کدگذاری داده‌ها به‌طور کامل به انجام رسید. (۶) در آخرین گام، بعد از کامل شدن پیاده‌سازی و کدگذاری داده‌ها، پژوهشگر با استفاده از روش تحلیل تم (که در تمامی مراحل قبلی جمع‌آوری داده‌ها نیز روش مورد استفاده پژوهشگر بوده است) مدلی با عنوان عوامل اثرگذار بر ارزیابی ریسک تقلب تدوین و ارائه گردید. چارچوب یا مدلی را به‌عنوان محصول کیفی فرآیند تحقیق خود تدوین و ارائه کند.

۳-۱- تحلیل تم

تحلیل تم روشی است برای شناسایی، تحلیل و گزارشگری الگوهای (تم‌های) درون داده‌ها. یک تم در بردارنده چیزی بااهمیت درباره داده‌ها در ارتباط با سؤال تحقیق است. برای تعیین اینکه چه چیزی در یک تحقیق تم به حساب می‌آید، قضاوت پژوهشگر ضروری است. کلیدی بودن یک تم الزاماً وابسته به ملاک‌های کمی (مثل تعداد دفعات تکرار) نیست. در پژوهش حاضر، تم‌ها یا الگوهای درون داده‌ها به ۲ شیوه اصلی استقرایی (پایین به بالا) و ثئوریک یا قیاسی (بالا به پایین) مورد شناسایی قرار گرفته‌اند (تاجیک، ۹۳). برای انجام تحلیل تم، ابتدا داده‌ها کدگذاری شدند. کدها عبارت است از ویژگی‌هایی از داده‌ها (معنایی یا محتوایی) که برای تحلیل جالب به نظر می‌رسند. در تحقیق حاضر کدگذاری بر اساس حروف انگلیسی و اعداد و به شرح زیر انجام شده است:

- برای مصاحبه‌های اکتشافی، علامت اختصاری EI (به عنوان اختصار برای Exploratory Interview)
- برای مصاحبه‌های اصلی، علامت اختصاری MI (به عنوان اختصار برای Main Interview)
- هر واحد تحلیل (هر متن یا مصاحبه) از ۰۱ به بالا شماره‌گذاری شده است.

۳-۲- جامعه و نمونه آماری

جامعه آماری عبارت است از حساب‌رسان با رده سرپرست به بالا، اعضای هیئت علمی دانشگاه‌های دولتی در رشته حسابداری با تدریس و یا سابقه حسابداری با حداقل رتبه استادیاری و دانشجویان و فارغ‌التحصیلان مقطع دکتری این دانشگاه‌ها در رشته حسابداری؛ نمونه آماری عبارت است از: الف) در مرحله اول چند صاحب‌نظر که به تشخیص پژوهشگر و بر اساس تخصصشان در زمینه موضوع تحقیق (تقلب) مورد مصاحبه اکتشافی واقع می‌شوند. ب) برای مصاحبه‌های اصلی، نمونه عبارت بوده است از افرادی از جامعه آماری که بر اساس روش گلوله برفیتوسط مصاحبه‌شوندگان به پژوهشگر معرفی شدند و امکان مصاحبه با آن‌ها وجود داشت. نمونه‌گیری گلوله برفی یعنی انتخاب شرکت‌کنندگانی که به نحوی با یکدیگر پیوند دارند و پژوهشگر را به دیگر افراد همان جامعه راهنمایی می‌کنند (حریری، ۱۳۸۵). در این روش پژوهشگر (مصاحبه‌کننده) به پیشنهاد مصاحبه‌شوندگان، برای مصاحبه به سراغ افراد دیگر می‌رود (از کیا و دربان آستانه، ۱۳۸۲). قاعده کلی این است که به گردآوری داده‌ها تا زمانی که مقوله‌ها اشباع شوند باید ادامه داد. در این پژوهش تعداد ۱۶ مصاحبه در بازه زمانی اردیبهشت تا خردادماه سال انجام شده ۱۳۹۸ است.

۴- یافته‌های پژوهش، تجزیه تحلیل بر اساس تحلیل تم

برای یافتن تم‌ها، ابتدا داده‌های کیفی حاصل از مصاحبه‌ها کدگذاری و دسته‌بندی گردیده

است، سپس تم‌های حاصل از داده‌ها تعیین و نام‌گذاری شده‌اند. در جدول ۱ هر کدام از تم‌ها در دسته‌های نام‌گذاری شده اصلی، فرعی و دسته مفهومی به نمایش درآمده‌اند و در ادامه این بخش به تشریح هر یک از آن‌ها پرداخته می‌شود.

جدول ۱: جدول تحلیل تم به همراه کدهای مربوط به هر تم

کدها	دسته‌های مفهومی	تم‌های فرعی	تم‌های اصلی
MI0907-MI0905-MI1301-MI1302- EI0211-MI0706- EI0301- MI1202-MI1201 - MI1101-MI1001 - MI0902-MI0801 -MI0101 - MI0103 - MI0601-MI0301-MI0602 -MI0901 -MI1003 -EI0213-MI0201	-----	تعریف و طبقه‌بندی تقلب، تعریف ارزیابی ریسک تقلب و مثلث تقلب	مفاهیم و تعاریف
MI01303 - MI1002- EI0131- MI0220-EI0302 - MI0802- MI0604-MI0102-MI01304-	-----	تفاوت تعریف تقلب در ایران با سایر کشورها	
MI1305-MI01306-MI0713-MI0405-EI0306-MI0606 -MI0401 - MI0803- MI0903- EI0105- EI0303 -MI0203 -MI0605 -MI0104 -MI0205 -MI0202	-----	فاصله انتظارات بین جامعه و حرفه حسابرسان	دیدگاه جامعه و وضعیت جاری
MI0405- EI0132-EI0133-MI0319-MI0513	-----	وضعیت فعلی حسابرسان	حسابرسان
MI0203- MI0105- MI0608- MI0402- MI0502- MI0804- MI0904- EI0304- MI1310-MI0906	-----	انجام ارزیابی ریسک تقلب در ایران	در خصوص کشف تقلب
MI1307-MI01308-MI01309-EI0307- -MI1210-MI1208MI1207- MI1117-MI1116 -MI1011 - MI0807-MI0806 -MI0719 - MI0610-MI0609- MI0117- MI0304-	زمینه‌ای		
MI0925-MI0924 - MI0813- MI0809-MI0808 - MI0724- MI0720-MI0717 - MI0618- MI0611- MI0501- - MI0416 -MI0415 - MI0307-MI0305 - MI0212- MI0210- MI0209-MI0107-MI0116-MI0121-EI0308- EI0310-EI0313-EI0116-EI0128-EI0129-MI1209 -MI1104-MI1105-MI1110-MI1114-MI1115 - - MI1007- MI1006-MI0930-MI0927	مهارتی	عوامل فردی	عوامل اثرگذار بر ارزیابی ریسک تقلب در ایران
MI0810- MI0722- MI0721-MI0718 -MI0620- MI0619- MI0617- MI0616- MI0615-MI0614 -MI0612 -MI0309- MI0308-MI0306 - MI0211- MI0214-MI0215 -MI0118-MI0119-MI0120-MI0122-MI01319- EI0309-EI0311--MI1211-MI1213-MI1111- MI1109-MI1107-MI1106-MI1008-MI1010- MI1016-MI0123- MI0811-MI0812-MI0814- MI0926- MI0928- MI0929- MI0931-	ذاتی		

کدها	دسته‌های مفهومی	تم‌های فرعی	تم‌های اصلی
MI0112-MI0113-MI0114 - MI0138-MI0219-MI0218-MI0217-MI0207-MI0204-MI0315-MI0318 - MI0403- MI0404-MI0406- MI0410- MI0417-MI0418- MI0420 - MI0507- MI0622-MI0623- MI0624 -MI0712-MI0818- MI0819- MI0824- MI0913-MI0914-MI0916-MI0917-MI0918-MI0919-MI0920-MI1013-MI1206-MI1214-MI1215-EI0102-EI0103-EI0107-EI0108-EI0109-EI0110-EI0112-EI0113-EI0115-EI0122-EI0130-EI0201-EI0203-EI0204-EI0205-EI0206-EI0208-EI0212-EI0214-EI0312-EI0319-EI0320-MI01314	ساختار سخت	عوامل ناشی از محیط کلان	عوامل اثرگذار بر ارزیابی ریسک تغلب در ایران
MI0421-MI0422-MI0423-MI0424-MI0425-MI0426-MI01315-MI01316-MI01317-EI0202-MI1118-MI1113-MI1005 - MI0936- MI0935-MI0934 - MI0821 - MI0506-MI0503 - MI0407 -MI0139- MI0317- EI0124-	رفتاری		
MI0816-MI0504- MI0408-MI0106- MI0108-MI0109-MI0111- MI0409-MI0411-MI0412-EI0318-EI0330-EI0207-EI0209-EI0210-EI0104-EI0123 -MI1204 -MI1321-MI1322 -MI1205-MI1217-MI1121-MI1004-MI1014-MI0908-MI0414-EI0121	ساختار نرم		
MI0628- MI0627- MI0626- MI0625- MI0510 -MI0509-MI0508 - MI0413- MI0303-MI0213-MI0221-MI0124-MI0129-MI0130-MI0131-MI0132-MI0133-MI0134-MI0136-MI0137-MI0310- MI1009-MI1012-MI1015-MI1017-MI1018-MI0921-MI0923-MI0933-MI0922-MI0909-MI0910-MI0912 -MI0911-MI0825 -MI0826- MI0827- MI0828-MI0829-MI0830 -MI0715 -MI0714 -EI0315-EI0317-EI0321-EI0323-EI0326-EI0327-EI0328-EI0329 -EI0120 -MI1212-MI1119-MI1120-MI1112-MI1103-MI0634-MI0632-MI0311- MI0716-	موسسه حسابرسی	عوامل مربوط به محیط خرد	
MI0705- MI0703- MI0702-MI0701- MI0633-MI0631- MI0630- MI0629- MI0512- MI0419-MI0314- MI0316-MI0206-MI0216-MI0125-MI0126-MI0127- MI0511- MI0704- MI0707-MI0708-EI0126-MI01318-MI01311-EI0325-EI0125-EI0119-EI0118-EI0117 -MI1203-MI1102-MI1019-MI1020-MI0932-MI0817-MI0709-MI0723- MI0822- MI0823-EI0324-EI0322-	شرکت تحت حسابرسی		
MI0710-MI0613-MI0621-MI0505-MI0312-MI0313-MI0208-MI0110-MI0128-MI0140-MI1216-MI0915-MI0815-MI0115-EI0314-EI0316-EI0106-MI1320- EI0121-EI0127- MI0711-	حرفه حسابرسی		

(منبع: یافته‌های پژوهش)

تم اصلی اول: مفاهیم و تعاریف: در تم اصلی اول به تعاریفی که مدنظر مصاحبه‌شوندگان در

ارتباط با مفاهیم اصلی است، می‌پردازیم و این تم به دو تم فرعی تقسیم شده است که در زیر به آن پرداخته می‌شود:

الف - تعریف و طبقه‌بندی تقلب، مثلث تقلب و ارزیابی ریسک تقلب: یکی از مواردی که از مصاحبه‌شوندگان پرسیده شد، ارائه تعاریفی از تقلب و طبقه‌بندی آن، مثلث تقلب و ریسک تقلب بوده است که بیشتر مصاحبه‌شوندگان تعریف و طبقه‌بندی تقلب را همان تعریف در استانداردهای حسابرسی ایران عنوان نموده‌اند و تعدادی از پژوهشگران به تفاوت تعریف تقلب بین استاندارد حسابرسی و تعریف قضایی تقلب پرداخته‌اند، به مفهوم مثلث تقلب و نقش آن در کشف تقلب اشاره و در خصوص ارزیابی ریسک تقلب تعاریف کمی صورت پذیرفت. نمونه‌هایی از تعریف تقلب و طبقه‌بندی آن در ادامه ارائه می‌شود:

- هر نوع تحریفی که باعث بشود تعدادی نسبت به بقیه مزیتی ناروا به دست بیاورند که دیگران فاقد این مزایا هستند (EI.۰۳۰۱).
- تعریف استاندارد حسابرسی از تقلب با تعریف مراجع قضایی متفاوت است. استاندارد حسابرسی تحریف را به دودسته سهوی یا عمدی تقسیم می‌کند و اقدام سهوی در زمره تقلب طبقه‌بندی نمی‌شود؛ اما در تعریف قضایی عاملی را تقلب می‌داند که میل باشد، یعنی کسی که منابعی را به نفع خودش یا گروه خاص برداشت کرده است و به حیف کاری ندارد. تفاوت در تعریف مبانی استاندارد و مراجع قضایی وجود دارد. به عبارت دیگر، استاندارد حیف و میل را به عنوان عملی متقلبانه می‌شمارد، اما در تعریف قضایی تنها میل را به عنوان تقلب برمی‌شمارد (EI.۰۲۱۱).

ب - تفاوت تعریف تقلب در ایران با سایر کشورها: در خصوص تفاوت تعریف تقلب در محیط ایران نسبت به سایر کشورها (از جمله کشورهای پیشرفته) پرسیده شد که اکثریت مصاحبه‌شوندگان عنوان نمودند از لحاظ تعریف تفاوتی وجود ندارد و دو نفر از مصاحبه‌شوندگان عنوان نمودند تفاوت در برداشت تقلب در ایران نسبت به سایر کشورها وجود دارد. نمونه‌ای از عدم تفاوت تعریف تقلب در ایران با سایر کشورها و تفاوت در برداشت از تقلب در ادامه ارائه می‌شود: تعریف تقلب در ایران و سایر کشورهای پیشرفته یکی است؛ اما برداشت ما نسبت به کشورهای مذکور از تقلب متفاوت می‌باشد. اینکه چه عملی در کشورهای یادشده در زمره تقلب طبقه‌بندی می‌شود با کشور ایران متفاوت است. در ایران ما بر روی خیلی از تقلب‌هایی که مشاهده می‌شود چشمانمان را می‌بندیم و حتی فرهنگ ما به صورتی است که اگر کسی تقلب را گزارش کند به عنوان یک اخلاق ناپسند دیده می‌شود و شخصی که تقلب را اطلاع داده، متهم به جاسوس بودن و یا کسی که نان دیگران را می‌برد، می‌شود و مورد شماتت قرار می‌گیرد. در صورتی که در کشورهای پیشرفته، سوت زنها (که همان اعلام‌کنندگان تقلب هستند) مورد حمایت و پاداش قرار می‌گیرند. حسابرس‌ها در ایران در صورت مشاهده تقلب با یک ادبیاتی که رنگ و بوی تقلب نداشته باشند مشکلات را می‌نویسند تا در زمان دادگاهی شدن جای فرار از مسئولیت خود را داشته باشند (EI.۰۳۰۲).

تم اصلی دوم: وضعیت جاری حسابرسان: در تم اصلی دوم به شرایط فعلی حسابرسان از لحاظ انتظارات جامعه نسبت به آن‌ها، اثرگذاری شرایط شغلی آن‌ها با توجه به عدم کشف تقلب‌ها و نحوه و میزان انجام ارزیابی ریسک تقلب می‌پردازیم.

الف) فاصله انتظارات بین جامعه و حرفه حسابرسی: در خصوص فاصله انتظارات بین جامعه و حرفه حسابرسی مصاحبه‌شوندگان پاسخ دادند، وظیفه حسابرسی به علت نوع و ساختار کار حسابرسی کشف تقلب نیست، اما از سوی دیگر جامعه گمان می‌کند وظیفه حسابرسان کشف تقلب است که به علت عدم شناخت وظیفه حسابرسی توسط جامعه این فاصله انتظارات ایجاد شده است. در ادامه تعدادی از پاسخ‌های مصاحبه‌شوندگان ارائه می‌گردد.

- به نظر من وظیفه حسابرس کشف تقلب نیست؛ زیرا کشف تقلب نیازمند منابع مالی و زمان بالایی است که با توجه به میزان زمان و منابع در اختیار حسابرسی، این مهم قابل انجام نیست، اما حسابرس در صورت مشاهده تقلب اگر از نوع بااهمیت باشد باید آن‌ها گزارش نماید (MI۰۶۰۵).
- بخشی از تفاوت برداشتی که بین حسابرسان و جامعه وجود دارد، به این علت است که انتظارات از حسابرسان بالاست و این انتظارات به درستی شکل نگرفته است. به نظر من این انتظار نباید تنها از حسابرسان باشد، بلکه باید از تمام طرف‌های درگیر در شرکت این انتظار را داشت، برای مثال در بورس از حسابرسان خواسته می‌شود در خصوص مناسب بودن کنترل‌های داخلی اظهار نظر کنند. در حالی که فرم سازمان بورس در خصوص کیفیت کنترل‌های داخلی از هیئت‌مدیره، تنها یک فرم گواهی خواهی می‌باشد؛ بنابراین، بالا بودن یا پایین بودن انتظارات جامعه از حسابرسان و یا تحت تعقیب قرار گرفتن حسابرسان و مواردی از این دست به تنهایی کاهنده ریسک تقلب نمی‌باشد، این در حالی است که راهبری شرکتی مانند یک زنجیر بوده و حسابرس تنها حلقه‌ای از این زنجیر می‌باشد در اصل باید سطوح نظارتی و پاسخگویی در سطح این زنجیره توسط نهادهای قانون‌گذار درخواست شود تا بتوان وظیفه ارزیابی ریسک تقلب را به صورت مناسبی بهبود داد و از سوی دیگر این مهم سبب کشف اثربخش‌تر تقلب می‌گردد (MI۰۲۰۵).
- این فاصله انتظارات به علت کمبود استانداردها نمی‌باشد و به این علت است که حرفه حسابرسی به درستی در جامعه مورد شناسایی قرار نگرفته است و این ناشناس بودن جامعه به این علت است که حرفه ناشناخته مانده و این مهم از طریق معرفی مناسب حرفه به جامعه تا حد زیادی حل می‌گردد (EI۰۳۰۶).

ب) وضعیت فعلی حسابرسان: با توجه به عمومی شدن برخی از تقلب‌ها، حرفه حسابرسی از سوی مردم و مراجع قانونی دچار فشارهایی شده است به نحوی که هرروزه مجموع قوانینی که از حسابرسان می‌خواهند تقلب‌های رخ داده را کشف کنند و همچنین قوانینی که حسابرسان را تحت تعقیب قانونی قرار می‌دهد رو به افزایش است. در ادامه برخی از نظرات مصاحبه‌شوندگان ارائه می‌شود.

مجلس حسابرسان ملزم نموده تا به صورت جداگانه در خصوص تقلب‌ها اظهار نظر کنند و در راستای کاهش فاصله انتظارات گام برداشته‌اند (MI۰۴۰۵).

به سبب تقلب‌های رخ داده در جامعه فشار بر حرفه حسابرسی و تحت تعقیب قانونی قرار گرفتن حسابرسان بیشتر شده است (MI۰۵۱۳).
با توجه به عدم کشف تقلب‌ها در پرونده‌های مختلف تعداد ۲۰ حسابرس آن در زندان به سر می‌برند (EI۰۱۳۲).

ج) میزان و کیفیت ارزیابی ریسک تقلب در ایران: در خصوص میزان انجام ارزیابی ریسک تقلب اکثر مصاحبه‌شوندگان معتقد بودند این وظیفه یک وظیفه فرمایشی بوده و بیشتر مؤسسات این مهم را انجام نمی‌دهند و یا اینکه این وظیفه به صورت با کیفیتی انجام نمی‌شود. همچنین برخی از مصاحبه‌شوندگان عنوان نمودند به این مهم توجه می‌نمایند و این وظیفه را تا حد امکان به درستی انجام می‌دهند. در ادامه برخی از نظرات در خصوص این مهم ارائه می‌شود.

- به نظر من وظیفه ارزیابی ریسک تقلب در ایران بیشتر رعایت شکل هست تا انجام آن به صورت صحیح؛ اما در کشورهای پیشرفته به علت وجود اقتصاد خصوصی، تقاضا برای حسابرسی با کیفیت وجود دارد، در همین راستا حسابرسان در جهت انجام حسابرسی با کیفیت بالا گام برمی‌دارند (MI۰۶۰۸).
- درصد کمی از مؤسسات در مرحله برنامه‌ریزی اقدام به ارزیابی ریسک تقلب می‌کنند و اکثر مؤسسات در پی گزارش فروشی هستند (MI۰۳۰۲).
- انجام ارزیابی ریسک تقلب بیشتر حسی است تا اینکه حسابرس به صورت سازوکاری سامانمند این مهم را انجام دهد و به شدت وابسته به تجربه کارکنان می‌باشد (MI۰۸۰۴).
- به نظر من و با توجه به تجربه من وظیفه ارزیابی ریسک تقلب در مؤسسات حسابرسی انجام می‌شود و ما با استفاده از روش‌های تحلیلی اقدام به ارزیابی ریسک تقلب در کارهای مختلف حسابرسی می‌کردیم. نقاط پر ریسک منابع انسانی، ترکیب سهامدار، انگیزه‌ها و فرصت‌ها جهت رخداد تقلب مورد بررسی قرار می‌گرفت (MI۰۹۰۴).

تم اصلی سوم: عوامل اثرگذار بر ارزیابی ریسک تقلب در ایران: تم اصلی سوم به مهم‌ترین مطلب این پژوهش می‌پردازد، به عبارت دیگر در این تم، به عواملی پرداخته می‌شود که سبب افزایش یا کاهش کیفیت ارزیابی ریسک تقلب می‌شوند؛ این تم اصلی خود به سه تم فرعی تقسیم می‌شود که عبارت هستند از: «عوامل فردی»، «عوامل ناشی از محیط کلان»، «عوامل ناشی از محیط خرد». برای تدوین یک مدل مناسب نیازمند تعیین عوامل مثبت و منفی اثرگذار بر این وظیفه قضاوتی هستیم تا با تقویت عوامل مثبت و تعدیل عوامل منفی به هدف پژوهش دست یابیم.

الف) ویژگی‌های فردی: در دسته مفهومی عوامل زمینه‌ای، باید حسابرسانی جهت انجام این وظیفه مورد استفاده قرار گیرند که دارای تحصیلات متناسب و بالاتر باشند و از نظر پژوهشگران عواملی مانند سن و جنسیت اکثر مصاحبه‌شوندگان بیان کردند، اثرگذاری چندانی ندارند. در

خصوص عوامل ذاتی، حسابرسانی با خلاقیت بالاتر این وظیفه را بهتر انجام می‌دهند؛ زیرا عمل تقلب خود یک اقدام خلاقانه بوده و در نتیجه برای برنامه‌ریزی، قضاوت تخصیص منابع حسابرسی به نقاط با ریسک بالا و کشف تقلب، حسابرسان باید دارای خلاقیت بالایی باشند. همچنین، حسابرسانی که دارای توانایی‌های بالاتری (از جمله هوش، توانایی استدلال بالا، قدرت حل مسئله و ...) هستند، عوامل ریسک را بهتر می‌توانند درک نموده و از آن‌ها استنتاج نمایند. در نهایت، احساسات به‌عنوان یک عامل منفی می‌تواند اثر نامطلوبی بر وظیفه ارزیابی ریسک تقلب داشته باشد، در نتیجه اشخاصی با مدیریت بالاتر احساسات، در انجام این وظیفه قضاوتی موفق‌تر عمل می‌نمایند. در نهایت، در خصوص عوامل مهارتی لازم است حسابرسان دارای تجربه کافی در این حوزه استفاده شوند. شایان ذکر است، تجربه از دو راه تجربه مستقیم و تجربه غیرمستقیم (از طریق آموزش) کسب می‌شود و با توجه به نادر بودن برخورد هر حسابرس با پرونده تقلب، حسابرسان نیازمند آن هستند که دائماً در حال آموزش مستمر باشند. همچنین، کسب دانش در دو بخش دانش عمومی (شامل حسابداری، حسابرسی و ...) و تخصصی (شامل دانش خاص صنعت، دانش اقتصادی، بانکی و ...) در جهت انجام این وظیفه بسیار حائز اهمیت می‌باشد و سرانجام، اهمیت افزایش تردید حرفه‌ای در انجام این وظیفه قضاوتی می‌تواند نقش به‌سزایی ایفا کند. در ذیل به تعدادی از نظرات در خصوص عوامل فردی اثرگذار بر وظیفه ارزیابی ریسک تقلب اشاره می‌کنیم: به نظر من سن اگر همراه با تجربه باشد می‌تواند سودمند باشد و سن به‌تنهایی نمی‌تواند سودمند باشد (MI۰۸۰۶).

- به نظر من اگر افزایش سن با کاهش توانایی حل مسئله، روحیه یادگیری و توانایی‌های شخص نباشد و با خود افزایش تجربه داشته باشد، می‌تواند مثبت باشد (MI۰۶۱۰).
- به نظر من جنسیت تفاوتی ایجاد نمی‌کند (MI۰۶۰۹).
- به نظر من جنسیت و تحصیلات اثرگذار می‌باشد (EI۰۳۰۷).
- تجربه به‌عنوان یک عامل فردی می‌تواند شناخت خوبی و راهنمای مناسبی برای ارزیابی ریسک تقلب باشد تا شخص به سمت هدف تعیین‌شده، بهتر حرکت کند (MI۱۱۰۴).
- خلاقیت حائز اهمیت است و حسابرس باید خود را بتواند جای متقلب قرار دهد و در هر پرونده تقلب مطمئن شخص متقلب دارای خلاقیت بوده و حسابرس جهت کشف آن نیاز به خلاقیت در مرحله ارزیابی، ارائه روش و رسیدگی دارد (MI۱۱۰۹).
- خلاقیت به‌عنوان یک عامل فردی و در روش‌های ارزیابی و رسیدگی بسیار می‌تواند اثرگذار باشد ما در این مورد خیلی مشکل داریم. برنامه‌های رسیدگی ما برای ۴۰ تا ۵۰ سال گذشته است و بیشتر کار حسابرسی یک کار شکلی است. یکی از روش‌هایی که می‌تواند اثرگذار باشد، روش‌های تحلیلی است که به‌صورت مناسبی مورد استفاده قرار نمی‌گیرد (EI۰۳۱۳).
- توانایی حل مسئله برای انجام بهینه این وظیفه مناسب است و شخص باید از روحیه حل مسئله قوی برخوردار باشد (MI۱۰۱۰).

- افراد متقلب معمولاً راه‌های کشف تقلب که به صورت عرف می‌باشند را می‌دانند، برای همین از روش‌های نوین استفاده می‌کنند لذا حساب‌رسان باید از خلاقیت مناسبی برخوردار باشند (MI۱۰۰۸).

ب) عوامل ناشی از محیط کلان: مجموعه عوامل ناشی از محیط کلان به سه دسته مفهومی عوامل ناشی از محیط سخت، محیط نرم و عوامل رفتاری دسته‌بندی شده‌اند. در دسته عوامل محیط سخت، سیاست‌های کلان کشوری از جمله ساختار کلان اقتصادی و سیاسی می‌تواند سودمند باشد. به عبارت دیگر، تغییر مکانیزم اقتصاد ایران از اقتصاد دولتی به اقتصاد خصوصی به سبب ایجاد روابط مدیر و مالک و همچنین کاهش تورم سبب کاهش ریسک‌های محیط کلان اقتصادی می‌شود؛ همچنین، با تصحیح ساختار سیاسی کشور و حذف تحریم‌ها انجام امور شرکت‌ها به جای انسان محور بودن می‌تواند به صورت سیستمی انجام شود که خود عاملی بااهمیت جهت کاهش ریسک تقلب می‌باشد. در دسته عوامل محیط نرم، ایجاد قوانین پاسخگویی برای تمامی اشخاص درگیر در شرکت از جمله مدیران ارشد و میانی شرکت تحت حسابرسی و همچنین حساب‌رسان در برابر سهامداران سبب کاهش ریسک تقلب می‌گردد. همچنین، افزایش هزینه‌های دادگاهی برای حساب‌رسان سبب می‌شود آن‌ها به این هزینه توجه نموده و آن را در پذیرش کارهای حسابرسی و حق الزحمه خود لحاظ نمایند که این خود سبب افزایش کیفیت حسابرسی می‌گردد. در نهایت، وجود ضمانت اجرایی قوانین، سبب می‌شود اشخاص در مقابل وظایف محول شده به آن‌ها کوتاهی نکنند. در دسته عوامل رفتاری، نیازمند تغییرات در ساختار فرهنگی جامعه از جمله زیر کار در رفتن اشخاص و نظارت‌گریزی می‌باشیم. همچنین، نیازمند تغییرات در تفکرات اشخاص در خصوص نگاه به شخص متقلب و اشخاصی که متقلبان را معرفی می‌نمایند، هستیم. در ذیل به تعدادی از نظرات در خصوص عوامل ناشی از محیط کلان اثرگذار بر وظیفه ارزیابی ریسک تقلب اشاره می‌کنیم:

- در ایران ما از فساد سامانمند رنج می‌بریم. ما بخش خصوصی به آن صورت نداریم اکثر شرکت‌ها دولتی و شبه‌دولتی هستند. فریدمن یک جمله معروف دارد که بیان می‌کند اگر بیابانی را به دولت بدهیم بعد از یک مدت با کمبود شن مواجه می‌شوید (EI۰۳۲۰).
- اقتصاد دولتی و بزرگ به عنوان یک عامل محیطی سبب افزایش ریسک تقلب می‌شود (EI۰۲۰۱).
- شرایط تحریم به عنوان یک عامل اقتصاد کلان سبب سوق دادن شرکت‌ها به سمت عدم شفافیت می‌شود و این مهم سبب می‌شود فضایی ایجاد شود که تقلب و رانت افزایش یابد. تا زمانی که ما این مشکلات و فضای غبارآلود رو داریم، نمی‌توانیم راه حل جامعی داشته باشیم. فروش و خریدهای صادراتی و انتقال ارز فضای تقلب‌ها را با می‌کند. حساب‌رسان به سیستم‌های اطلاعاتی بانکی و گمرکی دسترسی ندارد و نمی‌تواند صحت مبادلات را تأیید کند. حساب‌رسان اگر بخواهد گزارش صحیح بدهد کارهای خود رو از دست می‌دهد (EI۰۳۱۲).

- اقتصاد ما اقتصاد دولتی و خصولتی وابسته به نفت و آکنده از فساد و رانت می‌باشد و دولت ما بسیار بزرگ می‌باشد (MI۰۴۰۳).
- ساختار کشور، حرفه و نهادهای حرفه‌ای مناسب نیست. برای مثال نمایندگان مجلس عضو هیئت‌مدیره شرکت‌های مختلف هستند. یا اینکه، مالک سازمان حسابداری، دولت است و این سازمان به بررسی شرکت‌های دولتی می‌پردازد به عبارت دیگر، دولت خود را مورد حسابداری قرار می‌دهد و این مشکل ساختاری به سازوکار حسابداری خدشه وارد می‌کند. همچنین، موسسه‌های حسابداری توسط جامعه حسابداران رسمی ثبت می‌شوند، در صورتی که نهاد حرفه‌ای نباید اقدام به ثبت نام و سپس نظارت بر مؤسسات کند، در حالی که رسالت این نهاد انتخاب و حفظ صلاحیت اشخاص باکیفیت هست. به عبارت دیگر ساختارهای ما داری تضاد منافع است. این در حالی است که در کشورهای پیشرفته این مشکلات ساختاری رفع شده‌اند، برای مثال در کشور فرانسه، مجلس بیان می‌کند رئیس دیوان محاسبات باید از حزب مخالف دولت باشد و ما در ایران می‌گوییم هم‌حزبی که باشد هیچ، شخص باید فاقد دانش حسابداری و حسابداری باشد تا تخلفات رخ داده را درک ننماید (MI۰۴۰۶).
- قوانین دست‌وپاگیری نظارتی سبب می‌شود حسابرس دسترسی نامحدود به مستندات و سیستم‌ها نداشته باشد. ما نیازمند اصلاح قوانین هستیم برای مثال حسابرس به شرکت مادر دسترسی دارد و چون شخصیت مستقل محسوب می‌شود امکان دسترسی و ردیابی مبادلات درونی با زیرمجموعه‌ها یا برعکس وجود ندارد. همچنین روابط بین شرکت‌ها نیز باید مشخص باشد. (EI۰۲۰۷).
- ما خیلی قانون داریم که اصلاً نمی‌دانیم چه هستند. نکته مهم عدم وجود ضمانت اجرایی برای رعایت قوانین است. مثال بارز آن قانون پول شویی است که در هر شرکتی حداقل یک مورد از چهار مرحله به وقوع می‌پیوندد (EI۰۳۱۸).
- فرهنگ کشور ما طرفدار تقلب است و همیشه طرفدار شخصیت منفی یک رویداد هستیم ما همزادپنداری مان باشخصیت‌های منفی فیلم بیشتر هست. در کشور ما مرز بین سالم بودن و بی‌عرضگی مشخص نیست و شخصی که بخواهد سالم کار کند برای خود دشمن‌های زیادی ایجاد می‌کند و این دیدگاه سبب بی‌انگیزگی در کار می‌شود (MI۰۹۳۶).
- حسابرسان ما دارای مشکل‌های فردی هستند با توجه به نبود فرهنگ و کدهای اخلاقی حسابرسان برای کسب منافع کوتاه‌مدت و وظیفه خود را به‌درستی انجام نمی‌دهند. در همین راستا کشف تقلب در ایران به میزان کمتری رخ می‌دهد (EI۰۱۲۴).
- فرهنگ ایران بدین‌صورت است که اگر یکی دزدی کند، می‌گویند طرف زرنگ هست از طرفی حسابرس ممکن است کم‌کاری نماید و کم‌کاری خود را زرنگی تلقی کند (EI۰۲۰۲).

ج) عوامل ناشی از محیط خرد: مجموعه عوامل ناشی از محیط خرد به سه دسته مفهومی عوامل ناشی از موسسه حسابرسی، حرفه حسابرسی و شرکت تحت حسابرسی دسته‌بندی شده‌اند. در دسته عوامل موسسه حسابرسی، شرکای موسسه حسابرسی با دیدگاه مثبت نسبت به اثربخشی و ایجاد محیط آموزشی می‌توانند، حسابرسان را در جهت ارزیابی باکیفیت‌تر ریسک تقلب و در نتیجه کشف تقلب سوق دهند. همچنین جهت استفاده از ظرفیت یک شخص خلاق لازم است که محیط موسسه نیز خلاق بوده و به این مهم توجه نماید. در نهایت، با توجه به افزایش ساعات کار بودجه شده حسابرسی و افزایش کارایی (از جمله استفاده از حسابرسی سیستمی و یا ابزارهای کمک به تصمیم‌گیری) می‌توان در راستای افزایش کیفیت ارزیابی ریسک تقلب گام برداشت. در دسته مفهومی حرفه حسابرسی، ارکان تصمیم‌گیرنده در حرفه می‌توانند با ایجاد سازوکار و الزاماتی رقابت منفی بین موسسه‌های حسابرسی در راستای افزایش درآمد مؤسسات و همچنین سازوکار بهینه جهت تسهیم این درآمد بین کارکنان مؤسسات را کاهش دهند. همچنین، حرفه با بهبود استانداردها و دوره‌های آموزشی می‌تواند سبب تقویت صلاحیت و مهارت حسابرسان در جهت بهبود ارزیابی ریسک تقلب گام بردارد. در دسته مفهومی شرکت تحت حسابرسی، مالکان شرکت‌ها می‌توانند با ایجاد راهبری شرکتی بهینه مجموع ریسک‌های محیطی شرکت را به سطح مطلوب کاهش دهند. همچنین با افزایش کنترل‌های داخلی بهینه و توجه بر پیچیدگی‌های خاص صنعت میزان ریسک‌های شرکت را به سطح مطلوب کاهش دهند. در ذیل به تعدادی از نظرات در خصوص عوامل ناشی از محیط خرد اثرگذار بر وظیفه ارزیابی ریسک تقلب اشاره می‌کنیم:

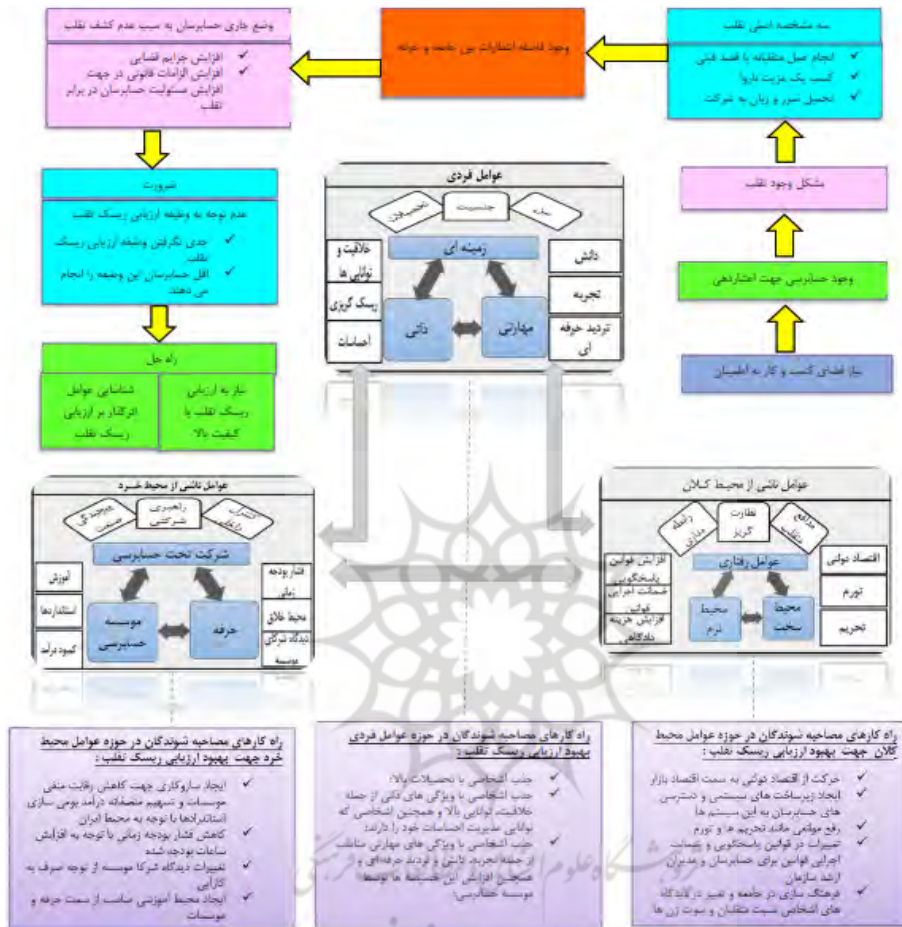
- تعریف جایگاه حسابرسی به صورت صحیح و تأمین منابع آن مشکل اصلی بوده و درست کردن این عوامل سبب بهبود اثربخشی حسابرسی می‌شود (EI۰۳۳۰).
- محدودیت در رسیدگی حسابرسان و عدم دسترسی به سیستم‌های جامع سبب اثر منفی بر انجام وظیفه ارزیابی ریسک تقلب می‌باشد. همچنین اگر این محدودیت‌ها از سمت شرکت نیز اعمال شود خود یک عامل کاهنده کیفیت این وظیفه می‌باشد (EI۰۳۲۴).
- نبود خلاقیت و سایر ویژگی‌های فردی به علت کیفیت پایین کارکنان فعال در حسابرسی هست و این خود ناشی از این موضوع هست که میزان پول ورودی به حرفه کم می‌باشد و با توجه به مبالغ قرارداد، موسسه حسابرسی نیز جهت جلوگیری از زیان از حجم رسیدگی‌ها و جذب افراد باصلاحیت بالا خودداری می‌کند. به صورتی که ترکیب گروه‌های حسابرسی بیشتر از کمک حسابرسان تشکیل شده است. از سوی دیگر میزان پول ورودی به مؤسسات نیز به درستی بین کارکنان تسهیم نمی‌شود و شرکا خواهان کسب بیشترین منفعت هستند در گذشته نیروهای شارپ وارد حرفه حسابرسی می‌شدند در حال حاضر حتی افراد باکیفیت پایین نیز ورود به موسسه را به عنوان جایگاهی جهت کسب تجربه و سپس خروج از حرفه انتخاب می‌کنند و خود این مهم سبب کاهش افراد باتجربه و دانش بالا و توانایی‌ها بالا به حرفه گردیده است. از طرف دیگری جامعه حسابرسان تحت تسلط شرکای موسسه قرار گرفته‌اند و انگیزه رشد و آینده حرفه‌ای برای

- اشخاص تازه‌وارد را تحت شعاع قرار داده از سوی دیگر افراد بااستعداد به علت عدم وجود درآمد جاری و عدم وجود امید به آینده وارد حرفه حسابرسی نمی‌شوند (EI۰۳۱۴).
- متقلبان در ایران به افراد حرفه‌ای از جمله مدیران مالی حسابرسان خبره دسترسی دارند و چک‌لیست‌های کشف تقلب در ایران بسیار قدیمی بوده و این افراد دارای تکنیک‌ها و آگاهی بیشتری نسبت به حسابرسان هستند به همین خاطر این مسئله متقلبان را نسبت به حسابرسان چندین گام جلوتر قرار می‌دهد (EI۰۱۱۱).
 - جایگاه و پست هر شخص امکان تقلب را افزایش می‌دهد برای مثال معاون مالی فرصت بیشتری برای تقلب نسبت به مدیر روابط عمومی داشته است (EI۰۱۱۹).

۵- نتیجه‌گیری

هدف این پژوهش تدوین مدل عوامل اثرگذار بر ارزیابی ریسک تقلب در ایران است. تقلب به اعتماد عمومی جامعه خدشه وارد می‌کند و سبب عدم کارکرد صحیح بازارها می‌گردد؛ به عبارت دیگر، تقلب برای جامعه و شرکت‌ها دارای آثار زیان‌بار مالی و غیرمالی است. در زمینه تقلب، جامعه از حرفه حسابرسی به‌عنوان یک مکانیزم اعتباردهی می‌خواهد که تا حد ممکن تقلب‌ها را کشف و گزارش نماید تا بدین سبب کیفیت اطلاعات ارائه‌شده در صورت‌های مالی افزایش یابد و سرمایه‌گذاران با اطلاعات شفاف‌تری اقدام به سرمایه‌گذاری نمایند.

شکل ۱ - مدل عوامل اثرگذار بر ارزیابی ریسک تقلب بر اساس تحلیل تم



منبع: یافته‌های پژوهش

بر همین اساس و با توجه به اهمیت و کثرت رخداد تقلب در کشور ایران، در پژوهش حاضر از طریق مصاحبه با متخصصان و بر اساس روش تحلیل تم، مدل عوامل اثرگذار بر ارزیابی ریسک تقلب در ایران تدوین شد. بر اساس این مدل که در شکل ۱ ارائه شده، عوامل اثرگذار بر ارزیابی ریسک تقلب در سه دسته عوامل فردی، عوامل ناشی از محیط کلان و عوامل ناشی از محیط خرد تقسیم می‌شوند. در دسته عوامل فردی، حساب‌رسانی که دارای ویژگی‌هایی از جمله، تحصیلات بالا، تجربه در حوزه تقلب، دانش عمومی و تخصصی، خلاقیت بالا، تردید حرفه‌ای بالا و ... بهتر می‌توانند این وظیفه قضات را انجام دهند. در دسته عوامل ناشی از محیط کلان حرکت از سمت اقتصاد دولتی به اقتصاد خصوصی، ایجاد زیرساخت‌های سیستمی و دسترسی‌های حساب‌رسان به این سیستم‌ها، رفع موانع مانع تجربه‌ها و تورم، اعتبار در فواید باستانگویی و ضمانت اجرایی فواید برای حساب‌رسان و مدیران ارشد سازمان فرهنگ سازی در جامعه و تغییر در نگرش‌های شخصی نسبت متقلبان و سبوت این‌ها

رفع عارضه‌هایی مانند تورم و تحریم، تغییرات فرهنگی و رفتاری و همچنین تغییرات قوانین و میزان پاسخگویی کلیه افرادی که در راهبری شرکتی شرکت نقش دارند می‌تواند سودمند باشد. در نهایت، در دسته عوامل ناشی از محیط خرد، حرفه حسابرسی با ایجاد سازوکاری جهت حذف رقابت منفی مؤسسات، افزایش میزان و کیفیت آموزش‌ها و ...، مؤسسات حسابرسی با ایجاد محیط‌های آموزشی و خلاقیت، افزایش بودجه زمانی در جهت کاهش فشار زمانی و ...، شرکت‌ها با ایجاد راهبری شرکتی مناسب، کنترل‌های داخلی بهینه و ... می‌توانند در جهت هر چه بهتر انجام شدن این وظیفه ارزیابی ریسک تقلب توسط حسابرسان مثمر ثمر واقع شوند. با توجه به اینکه چنین مطالعه‌ای قبلاً انجام نشده است، لذا مقایسه مدل با پژوهش‌های دیگر ممکن نمی‌باشد. در نهایت، با توجه به مطالعه صورت یافته، هر یک از ارکان جامعه، از جمله حسابرسان، مؤسسات حسابرسی، حرفه حسابرسی، شرکت‌ها، دولت و ... می‌توانند با بهبودهای بخش‌های عنوان شده، در صدد انجام بهینه ارزیابی ریسک تقلب گام برداشته و موجب تقویت کشف تقلب توسط حسابرسان گردند.

۶- پیشنهادهای عملی

پیشنهادهای اصلی این پژوهش در زمینه *عوامل فردی* توجه حسابرسان به افزایش مهارت‌هایی از قبیل تجربه، دانش، تردید حرفه‌ای و ... از طریق استخدام اشخاصی با این ویژگی‌ها و آموزش مستمر این اشخاص توسط مؤسسات و حرفه حسابرسی جهت بهبود مستمر این ویژگی‌ها می‌باشد. در زمینه *عوامل ناشی از محیط کلان* لازم است مجلس و دولت در جهت تصحیح ساختارهای کلان اقتصادی و سیاسی، قوانین و مقررات و ضمانت اجرایی آن و همچنین برنامه‌هایی جهت تصحیح فرهنگ حاکم بر جامعه گام بردارند. همچنین در زمینه *عوامل ناشی از محیط خرد* تصمیم‌گیرندگان در سطح حرفه حسابرسی باید رقابت منفی بین مؤسسات حسابرسی جهت قراردادهای حسابرسی را به حداقل ممکن برسانند و با افزایش درآمد مؤسسات، به تبع آن افرادی با صلاحیت و توانایی بالا جذب حرفه حسابرسی گردد. شرکای موسسه حسابرسی نیز باید به هدف اثربخشی توجه ویژه‌ای نمایند. همچنین شرکت‌ها نیز باید راهبری شرکتی را به معنای واقعی پیاده‌سازی نمایند و به ارائه اطلاعات صحیح و عاری از تحریف با اهمیت جهت افزایش اعتماد سرمایه‌گذاران و بهبود وضعیت سرمایه‌گذاری در سازمان گام بردارند.

۷- فهرست منابع

الف- منابع فارسی

۱. ازکیا، مصطفی؛ دربان آستانه، علیرضا. (۱۳۸۲). روش‌های کاربردی تحقیق. جلد اول. انتشارات کیهان. چاپ اول.
۲. پورحیدری، امید و بذرافشان، سعید. (۱۳۹۱). بررسی اثر ویژگی‌های فردی حسابرسان در تمایل به استفاده از چک‌لیست کشف تقلب و اتکا بر نتایج به‌دست‌آمده از آن. دانش حسابرسی، شماره ۴۸.
۳. پورحیدری، امید و بذرافشان، سعید. (۱۳۹۱). بررسی سودمندی استفاده از چک‌لیست راهنمای کشف تقلب

۴. در ارزیابی خطر تقلب مدیریت. پژوهش‌های تجربی حسابداری، شماره ۳، ۸۶-۶۹. تاجیک، کامران (۱۳۹۳). تدوین مدل گزارشگری حسابداری تورمی در ایران. رساله دکتری حسابداری، دانشگاه تهران.
۵. حریری، نجلا. (۱۳۸۵). اصول و روشهای پژوهش کیفی. انتشارات دانشگاه آزاد. چاپ اول.
۶. حسینی، حسین؛ بنی مهد، بهمن و صفری، زهرا (۱۳۹۹). تأثیر دیدگاه‌های تردید حرفه‌ای حسابرس بر ارزیابی ریسک تقلب، با توجه به اثر مداخله‌کنندگی مهارت ارتباطی و تضعیف اجتماعی. دانش حسابداری، دوره یازدهم، ۷۱-۱۰۵.
۷. سعیدی گراغانی، مسلم و ناصری، احمد. (۱۳۹۶). تفاوت‌های فردی و قضاوت حسابرس. پژوهش‌های حسابداری مالی و حسابرسی. شماره ۳۶، ۱۲۹-۱۱۱.
۸. طاهری، مسعود (۱۳۹۸). مقایسه مدل‌های مثلث، دیاموند و پنتاگون تقلب در ارزیابی ریسک تقلب. دو فصلنامه حسابداری ارزشی و رفتاری، شماره ۸، ۳۶۹-۳۳۹.
۹. مهربان پور، محمدرضا؛ مصطفائی، علی و مصطفائی، جعفر. (۱۳۹۸). روش‌های پژوهش کیفی در حسابداری، حسابرسی و مالی. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
۱۰. نمازی، محمد و ابراهیمی، فهیمه. (۱۳۹۵). مدل بندی و تعیین اولویت عوامل مؤثر بر قصد گزارش تقلب‌های مالی توسط حسابداران. فصلنامه مطالعات تجربی حسابداری مالی، شماره ۴۹، ۲۸-۱.

ب- منابع خارجی

1. Albrecht, W. S. Albrecht, C. C. Albrecht, C. O. & Zimbelman, M. (2011). Fraud Examination, 4e. Ohio: Thomson South-Western.
2. Ames, D., Brazel, J., Jones, K., Rich, J., & Zimbelman, M. (2012). Using nonfinancial measures to improve fraud risk assessment. Current Issues in Auditing, 6(1), C28-C34.
3. Asare, S. K. Wright, A. M. (2004) The effectiveness of Alternative Risk Assessment and Program Planning Tools in a Fraud Setting. Contemporary Accounting Research. 21(2), pp. 325-352.
4. Bonner, S. 2008. Judgment and Decision Making in Accounting. Upper Saddle River, NJ: PearsonPrentice Hal.
5. Brazel, J., Jones, K., & Prawitt, D. (2014). Auditors' reactions to inconsistencies between financial and nonfinancial measures: The interactive effects of fraud risk assessment and a decision prompt. Behavioral Research in Accounting, 26(1), 131-156.
6. Cohen, J, Yuan, Lesage, C and Stolowy, H. (2017). Media Bias and the Persistence of the Expectation Gap: An Analysis of Press Articles on Corporate Fraud. J Bus Ethics 144:637-659.
7. Douglas, M. B, Todd, D and Dana R. H. (2015). The effect of Iternative fraud model use on auditors' fraud risk judgments. J. Account. Public Policy 34,578-596.
8. Ettredge, M., Sun, L., Lee, P. & Anandarajan, A., (2008). Is earnings fraud associated with high deferred tax and/or book minus tax levels? Auditing: A Journal of Practice and Theory, 27(1), 1-33.
9. Ford, C. O. & Pasewark, W. (2007). Role of Cognitive Need in Audit Decision Making. American Accounting Association Annual Meeting. Administration. Texas Tech University.
10. Ford, C.O. (2006). Role of motivation on audit sampling behavior. Dissertation. Business Practice & Theory 8, 1-28.
11. Hammersley, J. S. (2011) A Review Model of Auditor Judgements in Fraud Related Planning Tasks. Auditing: A Journal of Practice & Theory, 30(4), pp. 101-128.
12. Hammersley, J. S. Johnstone, K. M. Kadous, K. (2011) How Do Audit Seniors Respond to Heightened Fraud Risk? Auditing: A journal of Practice and Theory. 30(3), pp. 81-101

13. Hoffman, V. B., Zimbelman, M. F. (2009) Do strategic reasoning and brainstorming help auditors change their standard audit procedures in response to fraud risk? *The Accounting Review*. 85(3), pp. 911-935.
14. Hogan, C., Rezaee, Z., Riley, R., & Velury, U. (2008). Financial statement fraud: Insights from the academic literature. *Auditing*, 27(2), 231-252.
15. Kerr, D.S. (2013). Fraud-risk Factors and Audit Planning: The Effects of Auditor Rank. *Journal of Forensic & Investigative Accounting*: Vol. 5, Issue 2, 48-76.
16. Knapp, C.A. & Knapp, M.C. (2001). The effects of experience and explicit fraud risk assessment in detecting fraud with analytical procedures. *Accounting, Organizations and Society* 26, 25-37.
17. Loebbecke, J.M. Eining, M.M. & Willingham, J. (1989). Auditors' experience with material irregularities: Frequency, nature and detectability. *Auditing: A Journal of Auditing: A Journal of Practice & Theory* 3, 80-88.
18. Ogoun, S. & Obara, L. (2013). Curbing occupational and financial reporting fraud: An alternative paradigm. *International Journal of Business and Social Science*, 4(9), 123-132.
19. Phillips, J., Pincus, M., & Rego, S., (2003). Earnings management: New evidence based on deferred tax expense. *The Accounting Review*, 78(2), 491-521.
20. Qomarudin Alfatah, Nicholas Agustinus L. Tobing. *AFEBI Accounting Review Print*. Vol 4.
21. Rubin, G. (2007). *Fraud risk checklist: A guide for assessing the risk of internal fraud*. Florham Park, NJ: Financial Executives Research Foundation.
22. Scott, I. (2012). *Accounting and auditing enforcement releases: Cash flow evidence associated with revenue recognition fraud*. (Doctoral dissertation, The University of Memphis).
23. Shelton, S. W. Whittington O. R. Landsittel, D. (2001) Auditing firms' fraud risk assessment practices. *Accounting Horizons*. 15(1), pp. 19-33.
24. Trotman, K.T. R. Simnett, and A. Khalifa. (2009). Impact of the Type of Audit Team Discussions on Auditors' Generation of Material Frauds. *Contemporary Accounting Research* 26(4): 1115 – 1142.
25. Vladimirovich Bakhteev, Andrey, A, Valentinovich Arzhenovskiy, S, Nikolayevna Khakhonova, N and Vyacheslavovna Kuznetsova, Y. (2017). Use of Regression Models when Performing Fraud Risk Assessment Procedures in the Audit Process. *European Research Studies Journal* Volume XX, Issue 3B, 22 – 33.
26. Wilks, T.J. & Zimbelman, M.F. (2004a). Decomposition of fraud risk assessments and auditors' sensitivity to fraud cues. *Contemporary Accounting Research* 21(3), 719-745
27. Zimbelman, M.F. (1997) The effects of SAS No. 82 on Auditors' Attention to Fraud Risk Factors and Audit Planning Decisions. *Journal of Accounting Research*. 35, pp. 75-97.